

نیایش پند پیر هرات

(الهی نامه و سه رساله خواجه عبدالله انصاری)

گزینش، پیشگام، تعلقات:
فرهاد صادقی



تهران، ۱۴۰۳

سرشناسه	: انصاری، عبدالله بن محمد، ۳۹۶-۲۸۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: Ansari al-Harawi, Abd A'lah bn Muhammad : نیایش پندپیپر هراب. (۱) و سه رساله خواجه عبدالله انصاری / گزینش، پیشگفتار و تعلیقات: فرهاد طاهری.
مشخصات نشر	: تهران: سپهرخرد، ۲۰۲۲ م. - ۱۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص. (چاپ دوم: ۱۴۰۳)
شابک	: 978-622-96574-1-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا.
عنوان دیگر	: الهی‌نامه و سه رساله خواجه عبدالله انصاری.
موضوع	: مناجات. Monajat* شعر فارسی - قرن ۵ ق. Persian poetry-11 th century نثر فارسی - قرن ۵ ق. Persian prose literature-11 th century
شناسه افزوده	: طاهری، فرهاد، ۱۳۲۷-، گردآورنده، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	: BP۲۷۷۸
رده‌بندی دیوئی	: ۲۹۷/۷۷۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۵۳۵۲۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا.	



نشر سپهر خرد



نیایش پند پیر هرات

الهرناه، و سه رساله خواجه عبدالله انصاری

نسخه، پیوسته، تعلیقات: فرهاد طاهری

چاپ اول: زمستان ۱۳۰۲/۲۴۰۲۲

چاپ دوم: زمستان ۱۳۰۳/۲۵/۲۴۰۲۵/رمضان ۱۳۳۶

آماده سازی: نشریات بر چاپ:

دفتر نشر سپهر خرد: ویرهام

خروفتگار: سمیه خیل

صفحه آرایی: علم روز (مسمود فـ...)

نمونه خوان: کاوه پرهام

طرح جلد: محمود رضا لطیفی

چاپ و صحافی: فرهنگبان (صادقی - حاجیان)

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر کتاب برای ناشر محفوظ است.

نشر سپهر خرد:

E-mail: sepehrekheradpub@gmail.com

sepehrekherad

* مرکز پخش: دوستان

تلفن: ۶۶۳۹۲۹۶۲، ۶۶۳۸۰۵۶۹، ۶۶۳۰۰۹۸۷، ۶۶۳۰۰۹۸۷ (۰۲۱)

* مرکز پخش: قنوس

تلفن: ۶۶۳۶۰۰۹۹ (۰۲۱)

فرویش اینترنتی: www.agahbookshop.com

www.sepehrekherad.ir

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار.....	۹
در احوال و آثار و افکار و نیایش پند پیر هرات.....	۱۵
آثار و افکار خواجه انصاری.....	۱۶
گزارش تدوین نیایش پند پیر هرات.....	۲۰
منابع احوال و آثار و افکار... متن و تعلیقات.....	۲۳
الهی نامه.....	۲۵
رساله بی نام.....	۵۹
رساله نه باب.....	۸۱
باب اول.....	۸۳
باب دوم.....	۸۴
باب سیم.....	۸۵
باب چهارم.....	۸۶
باب پنجم.....	۸۷
باب ششم.....	۸۷
باب هفتم.....	۸۸

۹۰	باب هشتم
۹۱	باب نهم
۹۳	رساله قلندرنامه
۱۰۱	تعلیقات
۱۰۳	تعلیقات الہی نامہ
۱۲۳	تعلیقات رسالہ بی نام
۱۴۱	تعلیقات رسالہ نہ باب
۱۴۱	باب اول
۱۴۲	باب دوم
۱۴۳	باب سیم
۱۴۶	باب چہارم
۱۴۷	باب پنجم
۱۴۹	باب ششم
۱۵۰	باب ہفتم
۱۵۳	باب ہشتم
۱۵۴	باب نهم
۱۵۹	تعلیقات رسالہ قلندرنامہ

پیشگفتار

مادر پدرم، زنده. ادای اینده لاهری، زنی بسیار پاکدل و خوش‌باور و ساده‌انگار بود. نخستین محبت من از تأثیر و جاذبه و جذابیّت «دعا و مناجات»، از یادگارهای دوران کودکی‌ام و از مشاهده احوالات این مادر بزرگ است. موقع سحر یا افطار یا ماه‌های رمضان، وقتی صدای مناجات از رادیوی‌های آن زمانه که قاب ماه‌های چوبی و رویه طلاکوب مُشَبَّکی داشت به گوش می‌رسید او دم می‌درفت بر سینه می‌زد و اشک می‌ریخت. «دعاها و مناجات» مادر بزرگ «ماما» می‌گویند، اولین نصیرهای توجه به «معنویت» را در خاطرم، آن هم در خردسالی، نقش زده است. در آن عوالم، کودکی من، مسلماً اجازه نمی‌داد تا چیز درک غمناکی «دعاها و مناجات»، متوجه محتواها شوم. شاید بسیاری از بزرگان خانواده و محله هم چون من، درکی از مضامین دعاها نداشتند و از احوال سرایندگان و نویسندگان آن «مناجات» هم ناآگاه بودند. در دوران دانش‌آموزی نیز که مشق خوشنویسی می‌کردم، خواجه عبدالله البته بسیار در کلاس‌ها حضور معنوی داشت. بیشتر بر مشق‌هایی که معلم خوشنویسی می‌داد در

زیر سرمشق‌هایش به خط شکسته تحریری می‌نوشت: خواجه عبدالله انصاری. یکی از این سرمشق‌ها را که بعد هفته‌ای تلاش توانستم تا حدی به خطی خوش و نسبتاً پخته بنویسم و از ادای انحا و قوس‌ها تقریباً به خوبی برآیم، روی کاغذ ابروباد نوشتم و قاب گرفتم و بر دیوار اتاق خلوتکده‌ام در خانه پدری زدم:

نی از تو حیات جاودان می‌خواهم نی عیش و تنعم جهان می‌خواهم
نی دل و راحت جان می‌خواهم هر چیز رضای توسست آن می‌خواهم

این ابیات تا سال‌ها بر دیوار همان اتاق منتهی به پشت بام خانه جلوی چشمم بود. وقتی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی شدم، حال و هوای رشته‌ام باستان‌فانه چندان به مذاقم نمی‌ساخت و مدام در گروه‌هایی چون تاریخ، فلسفه، علوم سیاسی پرسه می‌زدم. همین هم به تدریج باعث شد تا بیشتر در درس‌های ادبیات فارسی، و مخصوصاً متون عرفانی، دورتر و دورتر شوم. عجیب بود دانشجوی ادبیات فارسی بودم اما متون و مباحث عرفانی ذره‌ای شوق، انگیزه در من بر نمی‌انگیخت. همواره هم با دیده تردید و انکار، کلاس‌های متون عرفانی را سپری می‌کردم و البته هم می‌کوشیدم این راز جز با محرمان دین نگذارم. «تردید و انکار» نیز روز به روز افزون‌تر می‌شد وقتی در حالات و سکناات بعضی استادان متون عرفانی یا در شخصیت شماری از مشتاقان و سینه‌چاکان و ارادتمندان عارفان بزرگ و نامبردار، کمی بیشتر تأمل می‌کردم و تضادها و تناقض‌هایی بسیار، میان «گفتارها و رفتارهای» آنان می‌دیدم. بعدها هم که عمدتاً با نگاه و پس‌زمینه‌های تاریخی و فلسفی به سراغ متون ادب فارسی، و بالاخص متون نظم عرفانی، می‌رفتم همیشه در پی پاسخ این پرسش

بودم که چرا در متون عرفانی که این همه از معنویت و خلوص و پرهیز از ریا، و بی‌خویشتی و تکریم پدیده‌های آفرینش سخن در میان است، از توجه به «طبیعت و درخت و آب و حیوان» چندان نشانه و حرفی در کار نیست. مگر از «درخت و آب و حیوان و طبیعت» باصفا تر و یک رنگ تر و بی‌غش تر در مجموعه نظام خلقت می‌توان پدیده‌ای سراغ گرفت؟ چرا آموزه‌های عرفانی در مراقبت و تکریم از این پدیده‌های بسیار شریف و اعجاب انگیز آنچنان رنگ و جلوه‌ای ندارند؟ اما این «پرسش‌ها و تردیدها» مانع از آن نمی‌شد که از مطالعه متون عرفانی، و اختصاصاً نشر عرفانی، تماماً غفلت و بی‌تأملی در ظرایف و نکته‌های ساختاری و بیانی زبان فارسی، و توجه به شگردهای حیرت‌آور نثرنویسان بزرگ ایران، از بی‌هیچ تاخیر دریابندری، همواره به ناگسستی دغدغه‌های ذهنی‌ام بوده است. از این جنبه، متون نشر عرفانی در نظم هیچ‌گاه خالی و عاری از شگرد و لطف و کشش نبوده است. زیباییات بدیع کلامی، واژه‌آرایی و آهنگ و تصویرپردازی، و ایجاز هنرمندانه متون نشر عرفانی به‌نظم از بهترین دست مایه‌ها برای مهارت‌ورزی در «تالیف» ترجمه» در زبان فارسی است. با همه آنچه گفتم، تا امروز، هربار نام خواجہ عبد اللہ انصاری را شنیده‌ام نخست، روزگار کودکی و احوال «ماما» و دعا و آرزوهای و مناجات او در شب‌های ماه رمضان پیش چشم آمده است. گویی خواجہ عبد اللہ انصاری یکی از ساکنان محله کودکی و از همسایگان خانه پدر و مادر بزرگ بوده است که هرگز فراموشش نکرده‌ام!

این مطالب را از این لحاظ نوشتم تا پاسخ پرسش احتمالی آن دسته از دوستان و خوانندگانی عزیز را داده باشم که با سابقه پژوهشی و زمینه آثارم آشنا هستند و از انتشار چنین اثری شاید دچار تعجب شده‌اند: پس

به نظرم آنان حق باید به من بدهند که وقتی ناشر کتاب، پیشنهاد تدوین گزیده‌ای از آثار خواجه عبدالله انصاری را داد و تأکید هم کرد کتابی تدوین کنم که «خوشخوان و خوش دست و کم صفحه» و البته بی رنگ و بوی غلیظ ملال آور و چشم خسته کن «آثار محققانه» نیز باشد با چنین خطاطی از خواجه انصاری و با این همه تعلقی خاطر به نشر عرفانی می بایست این پیشنهاد را می پذیرفتم و دست به کار می شدم. اما بسیار جال را که وقتی از قصد حقیقی ناشر از مطرح کردن چنین پیشنهادی، مطلع شدم انگیزه بسیار جذابی دیگر، بر دو زمینه تعلقی فکری پیشین افزوده شد. او گت بسیاری از میهمانان افغانستانی ما در ایران که عمدتاً هم از طایفه سخت کوشان و کارگران زحمت کش باوجدان هستند طالب و مشتاق مطالعه گزیده آثار خواجه انصاری اند و از خوانندگان دائم این آثار. من نیز یادم آمد که از ایران، بجران، و خصوصاً اگر هراتی بوده، هر که سروکارش به من افتاده یا نیاز من به او افتاده از زمره معتقدان سخت پایبند و دلبسته خواجه عبدالله بوده و چه در از کرامات بقعه و بارگاه او نیز برای من سخن ها گفته است! به واقع، آنچه مرا در پذیرش پیشنهاد ناشر، مشتاقانه برانگیخت در وهله نخست، یاد کردن خاطرات دوران کودکی و زنده داشت یادهایم از مادر بزرگ و نام او، و بعد ادای احترام به گرمی شعله عشق به زبان فارسی که در دل هر یک از این میهمانان مهاجر افغانستان، بی مرگ، همواره روشن بوده است. به گمانم این عشق همدلان و همزبانان ما به زبان و ادبیات فارسی شایسته ستایش و احترام بسیاریان است. آنانی که از زمره رنجیدگان کوچیده از خانه و کاشانه اند و چشیدگان درد غربت و رنج کار و تهیدستی و تحقیر و محرومی اما در چنین روزگاری سخت، همچنان وفادار به زبان مادری اند و دلبسته زبان فارسی!

شرح بیشتر سامان یافتن این گزیده در ذیل «گزارش تدوین نیایش پند پیر هرات» آمده است که خوانندگان مطالعه خواهند کرد. عنوان «نیایش پند» را گزینشگرِ رسائل خواجه عبدالله در برابر «مناجات» برگزیده است. به نظرم در مفهوم «مناجات» اگر کمی تأمل شود کاملاً واضح است که غیر از مفهوم «سخن گفتن» با پروردگار، «پند و اندرز» به انسان‌ها هم در آن مشهود است. تا آنجا که می‌دانم کاربرد واژه «نیایش پند» در زبان فارسی سابقه نداشته و اگر هم پیش از این کتاب، در نوشته یا سخنی به کار رفته است اطلاعی را ندارم. اما نکته‌ای که باید حتماً تأکید کنم آن است، «نیایش پند پیر هرات» از سر «ارادت و ادای احترام» تدوین شده است و مطلقاً کتابی محققانه نیست. تدوین‌کننده آن هم هرگز مدعی نیست که در موضوع کتاب گذشته پژوهش داد یا صاحب صلاحیت اظهار نظر و دست به قلم بردن است. پیش و پس از خوانندگان کتاب نیز تدوین‌گر کاملاً آگاه است که لغزش‌ها و نادری‌های حتماً در متن و تعلیقات به چشم خواهد آمد.

در پایان سخن، باید از دوستانی عزیز سپاس بگزارم. و به تان آگاهم، کاوه پرهام و علیرضا پرهام، در نشر «سپهر خرد»، سبب خیر آمدن این کتاب شدند و با اشتیاق و سختکوشی همت خود را بدرقه انتشار آن کردند. دوستان و استادان عزیزم، دکتر مسعود قاسمی و دکتر مسعود جعفری جزی، در فهم پاره‌ای از دشواری‌های متن رسائل، از آراء روشن‌گرائه خود برخوردار ساختند. دوست فرزانه‌ام دکتر فرزانه دوستی با بزرگواری زحمات ترجمه معرفی و مرور محتوای نیایش پند پیر هرات را به انگلیسی به دوش کشید. حروفنگاری دقیق کتاب حاصل دقت و زنج چشم و دست سرکار خانم سمیه خلیلی و

صفحه‌پردازی چشم‌نواز جناب آقای مسعود فیروزخانی بوده است. جامه
 نیایش پند پیر هرات را هم جناب آقای محمود رضا لطیفی بر قامت آن دوخت
 و طرح جلد کتاب زاییده ذوق هنرمندانه اوست. من سپاسگزار و مدیون
 همه این عزیزانم.

تاکستان، ۲۵ شهریور ۱۴۰۲

فرهاد ظاهری

در احوال و آثار و افکار ساحب نیایش پند پیر هرات

صاحب و گوینده نیایش پند پیر هرات، ابو اسماعیل عبدالله انصاری، معروف به «خواجه عبدالله انصاری» است. در شرح زندگانی او نوشته اند که به سال ۳۹۶ ق در قهندز (حصار قندهار) هرات افغانستان) به دنیا آمده است. خواجه انصاری که در نیایش پند نیایش از «خود» عمدتاً با نام «عبدالله» یاد کرده بنا به اقوال متواتر، از نوادگان ابویوب انصاری، صحابی معروف پیامبر اسلام (ص)، و ابومنصور مکت انصاری، بوده و پدرش، ابومنصور محمد (درگذشته ۴۳۰ ق) نام داشت که در بازار هرات با دکان داری روزگار می گذرانیده و در جوانی در بلخ چندی به حلقه مریدان شریف حمزه عقیلی پیوسته است. دوران کودکی عبدالله در هرات و به تحصیل علم و اندوختن معرفت و آموختن احادیث در نزد استادان نامبردار زمانه چون یحیی بن عمار شیبانی، ابواسماعیل احمد نهاوندی، قاضی ابومنصور آزدی، محمد جارودی، و عبدالحجّار جراحی گذشته است. همچنین باز بنا به اقوال و منابع، خواجه عبدالله، در سال ۴۱۷ ق به عزم دیدار با مشایخ نیشابور و در طلب حدیث و فقه راهی این شهر شد و فرصتی یافت تا در محضر شماری از

زعمای اصحاب حدیث، به مانند ابوالعباس اصم، ابوالفتح ناصر قریشی، زانوی تلمذ بر زمین بزند. او در طی عمرش، دوبار عزم سفر حج و زیارت خانه خدا کرد که به سبب ناامنی راه‌ها و دیگر ناخوشبختی‌ها توفیق نیافت اما به بعضی از آرزوها و خواسته‌هایش در دیدار با مشایخ و به فیض مصاحبت و معاشرت با آنان، از جمله ابوالحسن خرقانی، شیخ ابوسعید ابوالخیر و... نائل آمد. سعادت‌های دنیوی عبدالله چندان نپائید. آن گونه که در منابع روایت شده است در سال ۴۷۳ ق از «دیدارها و دیدن‌ها» محروم و نایب شد. کم‌سال‌هایی پس از این مصیبت، گویا در سال ۴۷۸ ق که منازعه و بلوایی را بین سخنان خواجه عبدالله در هرات در گرفت و شورش ارادتمندان او را علیه یکدیگر از متکلمان در پی داشت و به ضرب و جرح آن متکلم و گریختنش از هرات به پرتگ انجامید، به فرمان خواجه نظام الملک طوسی، خواجه عبدالله با خانواده به آن خود به ماوراءالنهر تبعید شد. او به مرو و سپس به بلخ کوچید. اما با مطاعت شیخ معمر لبنانی، نظام الملک دستور داد که خواجه به هرات بازگردد. در ۴۸۰ ق به هرات بازگشت و در سحرگاه جمعه ۲۲ ذی الحجه ۴۸۱ چشم‌داد. دل، از جهان فروبست و خاموش شد. پیکرش در خاک گازرگاه، در شمال هرات، آرام گرفت و تربت او زیارتگاه رندان جهان شد. بعد از آن، بقعه و بارگاهی به فرمان شاهرخ میرزا تیموری در سال ۸۲۹ ق بر مزار او سامان یافت و سلطان ابوسعید گورکائی هم در سال ۸۴۲ ق در آبادی و عمران گازرگاه کوشید و مزار عبدالله پر رونق‌تر و چشم‌گیرتر از گذشته‌هایش گشت.

آثار و افکار خواجه انصاری

در شرح حال خواجه عبدالله آورده‌اند که او اصولاً بیشتر اهل مجلس و

سخن و خطابه و گفتار بود تا «اهل نوشتن». بعد از آنکه از «دیده» نیز محروم شد مجالس او همچنان برپا بود و برای ارادتمندان و شاگردان، از آیات و احادیث و تفسیر، و اصول شریعت و طریقت می‌گفت و آنان گفته‌های استاد را تقریر می‌کردند و می‌نوشتند. به باور بعضی از محققان، جان و جوهره و اساس بسیاری از آثار خواجه انصاری همین تقریرات شاگردان اوست. از این شاگردان، که در واقع تدوین‌کنندگان آثار خواجه انصاری‌اند، تنی چند در تاریخ تصوف و ادبیات فارسی نامبردار شده‌اند: ابوالوقت عبدالاول سجزی (درگذشته ۵۵۳ق)، ابوالفتح عبدالملک کزوهی (درگذشته ۵۴۸ق)، ابوجعفر محمد بن علی (درگذشته ۵۶۸ق)، ابوجعفر حنبل بن علی (درگذشته ۵۴۱ق). همچنین از مریدان عبدالله انصاری نام سه ارادتمند او (که در تدوین آثارش سهمی داشته‌اند) در منابع بیشتر محل توجه بوده است: حافظ ابوالخیر مرزوق (درگذشته ۵۶۲ق)، ابونصر مؤمن ساجی و محمد بن طاهر مقدسی (درگذشته ۵۰۷ق). به آنچه گذشت از میان مجموعه آثار بسیاری که به عبدالله انصاری منسوب است، باید بتوان رساله‌ها و نوشته‌هایی اندک را بی‌واسطه حاصل تراوش قلم او دانست و دیگر آثار در واقع ماحصل تقریرات خواجه انصاری در مجالس وعظ و درس اوست. همچنین این دسته آثار هم گویای روشن آن است که خواجه انصاری در مجالس خود به مقتضای موقع و سخن، برای مخاطبان به سه زبان عربی، فارسی و هراتی وعظ و خطابه می‌کرده و در همه حال نیز به رعایت موسیقی کلام و خوش‌آهنگی و سجع‌پردازی، که زائیده ذوق ادیبانه و آگاهی‌اش از ظرایف ادب فارسی و عربی بود، خود را ملتزم می‌دیده است.

در منابع و اقوال و نوشته‌های متأخران و تذکره‌نویسان و نیز در تحقیقات معاصر حوزه عرفان پژوهی آثاری بسیار را (اعم از فارسی یا عربی) از

خواجه عبدالله یا به او منتسب دانسته‌اند، که در صحت و سقم انتساب این نوشته‌ها به خواجه انصاری نیز حرف و حدیث فراوان است و با قطعیت نمی‌توان نظری را در این موضوع مطلقاً صائب دانست و بدان اطمینان کرد. مشهورترین این آثار فارسی بدین شرح‌اند: طبقات الصوفیه، صدمیدان، تفسیر هروی، رساله چهل و دو فصل، کلمات، قلندرنامه، محبت‌نامه، کنز الشاکین، گنج‌نامه، الهی‌نامه، رساله سؤال دل از جان، رساله بی‌نا، رساله واردات و ...

همان، آثاری نیز به زبان عربی از خواجه عبدالله انصاری ذکر کرده از آن جمله‌اند: مناقب الشائرين، ذم الکلام و اهله، الاربعین فی دلائل التوحید، و علل المقامات.

غیر از این آثار نیز فارسی و عربی، اشعار فارسی بسیاری در قالب غزل و رباعی و دوبیتی در بعضی این متأخر به خواجه انصاری منسوب شده است. در این سروده‌ها، گاه مختصر «پیر انصاری»، «انصاری» و «پیر هرات» شاید این ظن را قوت بخشد که تمامی از آن اشعار، زائیده قریحه خواجه انصاری بوده و نیز مؤید قولی از نورالدین عبدالرحمان جامی است (شاعر سده نهم هجری) که اظهار داشته «خواجه در خردسالی شعر گفتن آغاز نهاد و استعدادش در بدیهه‌گویی مایه رشک همدرسانش بود.» اما با همه زبانزدی سروده‌هایی بسیار که از آن خواجه انصاری به شمار آمده و زینت بخش کتیبه‌ها و قطعات و مرقعات خوشنویسی شده، در نظر برخی محققان در انتساب این اشعار به خواجه جای تردید بسیار است. چرا که

۱. برای اطلاع کامل از این مجموعه رسائل فارسی، نک: مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، (دو جلد) به تصحیح و مقابله سه نسخه، مقدمه و فهرست، دکتر محمد سرور مولایی، تهران، انتشارات توس، زمستان ۱۳۷۲.

این سروده‌ها به گویندگانی دیگر، از جمله ابوسعید ابوالخیر، باباافضل کاشانی، عین‌القضاة همدانی، سیف باخرزی و اوحدالدین کرمانی نیز منتسب شده است.

اما از میان مجموعه آثار نثر و نظم خواجه عبدالله انصاری، «الهی‌نامه» او نامبردارتر شده و در میان عوام و خواص در جایگاهی بس والاتر قرار گرفته است.

این اثر، رساله‌ای است عرفانی و ادبی به زبان فارسی که مطالب آن، نیایش‌پندها و سخنان عرفانی و حکمت‌آمیز خواجه انصاری است. به اعتقاد بعضی محققان، «الهی‌نامه» تألیفی جدا از آثار دیگر خواجه عبدالله نیست. بلکه گزیده‌ای است از نیایش‌پندها و سخنان برگزیده عرفانی او که در قرن‌های بعد از زندگانی خواجه عبدالله، به کوشش شماری از ارادتمندان و مشتاقان او، جمع و تدوین شده. از آن روی نیز «الهی‌نامه» نام یافته که آغازگر بیشتر نیایش‌های آن با خطاب «الهی» است. در الهی‌نامه، خواجه انصاری از موضوعات عمدتاً ربانی سخن به میان آورده است؛ هرچند به مسائل حکمی و تعلیمی و اخلاقی نیز اشاره چشمی دارد. اهم مباحث عرفانی مندرج در این رساله، عبارت است از: توحید، آفرینش، تجلی ذات و صفات، عشق و عنایت، ابلیس و موضوع تقدیر، علم و عمل، نکویش معرفت رسمی و عبادت بر سبیل عادت و ...

به لحاظ قالب سخن و جامه کلام هم، الهی‌نامه با نثری مستجع و آهنگین انشاء شده است. شیوه خواجه انصاری در پروراندن و بیان مفاهیم بدین صورت بوده که ابتدا، منظور خود را به نثری روان و آهنگین به قلم آورده و سپس همان معنا را در قالب شعری دلپذیر عرضه کرده است. جملات خواجه، در عین موزونی، عمدتاً کوتاه و فشرده‌اند. بنابراین،

الهی نامه خواجه انصاری، هم از نظری عرفانی و هم از جنبه ادبی، اثری حائز اهمیت و توجه است. این اهمیت وقتی نظرگیرتر هم می شود که مطلع می شویم خواجه عبدالله انصاری، نخستین نویسنده ای بوده است که معانی والای عرفانی را در قالب نثر مستجع بیان کرده و شیوه و طرز او در سجع پردازی و واژه آرای جملات در الهی نامه گاه به ساحت شعر و شاعری نزدیک شده است. در عین حال، نباید از آراء و اندیشه های متعصبانه و تندخو ها، صاحب الهی نامه نیز غفلت ورزید. در شرح حال او آمده است که در پای بندی خود به اصول مذهب احمد بن حنبل سختگیر و متعصب بود و ظاهراً این «اعتقاد نارواداری» در تفکر مذهبی، متأثر از تعالیم استادان ارد کردگی و جوانی، از جمله یحیی بن عمار و قاضی ابو منصور و شیخ ابو عبدالله بناتی سجستانی است. خواجه انصاری همچنین با متکلمان نیز دشمنی می ورزید. در رد گفته های آنان اظهار نظر، تقریر می کرد و به اهل حکمت و فلسفه هم در پی خوش نشان نمی داد. دشمنی او با پیروان فرق و مذاهب اسلامی بی پر بود که گرفتاری هایی نیز چون تهمت، تبعید و بند برای او در پی داشت.

گزارش تدوین نیایش پند پیر هرات

«نیایش پند پیر هرات» عنوانی است که کوشنده تدوین گر این اثر، بر انتخاب خود از بعضی رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری نهاده است.

۱. منابع تحقیق و مآخذ سخن در تالیف این بخش:

۱- سید علی میرافضلی، «خواجه عبدالله انصاری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، جلد چهارم، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (با همکاری انتشارات سخن)، تهران، ۱۳۹۸.

۲- محمّد جواد شمس، «الهی نامه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، همان، جلد دوم.

در این گزیده، الهی نامه، رساله بی نام، رساله نه باب و قلندرنامه تقدیم خوانندگان شده است. همت به تدوین و انتشار برگزیده آثار خواجه عبدالله انصاری و نیز تحقیق و پژوهش در باب افکار و آثار خواجه انصاری و تلاش برای پی بردن به تأثیر شخصیت و آراء این عارف مشهور در تاریخ عرفانی و اسلامی، سابقه ای درازدامن دارد و شواهدی بسیار از این قبیل آثار هم بی تردید علاقه مندان و مشتاقان عرصه عرفان و خوانندگان این گزیده نوشته ها فراوان سراغ دارند.

«نیایش پند پیر هرات» هم یکی از زمره این دسته آثار است؛ با این توضیح که چه بسا این کتاب به لحاظ حسن و ذوق گزینش متن ها و نیز از جنبه سنجه روشنگری بیانات متن در فهم آسان تر و بهتر سخنان خواجه انصاری، هرگز به پایه و پایه آثار هم موضوع خود که بیشتر به قلم و همت استادان نامبردار و صاحب نظر در فارسی منتشر شده است نرسد و بی تردید هم پژوهشگران و استادان فرهیخته، خطاها و لغزش هایی بسیار در آن خواهند یافت که امیدوارم دیده بین را سرمه پرده پوشی نکنند و با بزرگواری خطها و خطاها و نادرستی ها را که مرزد کنند.

«نیایش پند پیر هرات»، حاصل مروری به اجمال و ورق زدن برسشگرانه کتاب مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری به همت رمی دکتر محمد سرور مولایی است. در این ورق زدن های مجموعه دو جلدی رسائل فارسی، تدوین گردی آن بوده است تا از میان رسائل فارسی خواجه انصاری، نوشته هایی را برگزینند که جنبه های تعلیمی آن بسی پررنگ تر از جنبه های عرفانی و حکمی است. در واقع، کوشنده این گزیده، در این «گزیده آوری» از آثار خواجه عبدالله، در پی یافتن پاسخ این پرسش بوده است که در چه رسائل، خواجه انصاری بیشترین توجه خود را معطوف

«انسان» و معضلات اجتماعی و اخلاقی و طریقه معاشرت او با دیگران کرده است. در بخشی اعظم رسائل خواجه انصاری، عمدتاً در باب توجه انسان به پروردگار و نیز غفلت نورزیدن از «نفس خویش» سخن در کار است. با چنین معیار و سنجه‌ای که در کدام یک از رسائل خواجه، به «مسائل اجتماعی و جامعه و انسان» بیشتر به دیده اعتنا نگریسته شده است؛ الهی نامه و سه رساله دیگر با ویرایشی مختصر و دخل و تصرفی اندک بر کنار هم قرار گرفته‌اند. به انگیزه و هدف آسان دریابی و خوش دانی و روانی بیشتر، گاه جملات دیرفهم و شماری عبارات عربی و بعضی اقوال نامأنوس برداشته شده و به جای آن ... آمده است. در پاره‌ای از جملات و اندک نیز اگر گسست معنایی یا ناپیوستگی کلامی، محسوس بوده چاره در آن داده شده است تا با افزودن حروف ربط و عطف در داخل قلاب، ایراد گاه ناهمواری‌های زبان و بیان جمله‌ها تا حد ممکن رنگ بازند. در نقل متن هم صرفاً به عین ضبط کلمات و جملات منبع اصلی، بسنده نشده، بلکه هر گاه بی‌کیفیتی که احتمال اشتباه خوانی آن می‌رفته اعراب‌گذاری و مشکول شده است. رتبه گذاری و نسخه‌برداری و سجاوندی نیز به مقتضای متن ناگفته پیداست که علت نشده است.

در بخش تعلیقات نیز که صفحات آن تقریباً برابر صفحات رسائل است، سعی بر آن بوده است تا منظور، تنها شرح و گره‌گشایی و ابهام‌زدایی متن باشد و از هر توضیحی که باری از ذهن خوانندگان بر ندارد اجتناب شود. در شرح و توضیح کلمات و اعلام تاریخی و معانی آیات قرآن و احادیث و نیز در روشن کردن مفهوم بعضی جملات و اصطلاحات، اساس بر اختصار و موجزگویی و پرهیز از ارجاع‌دهی فاضل‌مآبانه بوده و کوشیده شده است تا نگارش تعلیقات رسائل برکنار از شیوه‌های ملال‌آور بعضی از متن‌پژوهان روزگار باشد که

تعلیقات و پی‌نوشت‌های متون تصحیح شده خود را فرصتی مغتنم می‌یابند تا دربارهٔ فلان کلمه یا فلان عارف و صوفی، تحقیقات دامنه‌دار خود را به قلم آورند. در شرح و تفسیر دشواری‌های متن رسائل نیایش پند پیر هرات، نمونه و سرمشق‌های پیش چشم می‌توان گفت «تعلیقات نگاری‌های» استاد دکتر غلامحسین یوسفی در آثاری چون گلستان و بوستان سعدی و نیز مجموعه سخن پارسی به دبیری و ویراستاری استاد احمد سمیعی گیلانی بوده است. به‌نظر این آثار موفق‌ترین نمونه‌های شرح و گزارش متون ادب فارسی در روزگار ماست. ر.ع. اینکه از صمیم دل به شیوه تصحیح و تعلیقات نگاری دیگر متن پژوهان هم بایا به دهنه حرمت نگریست و به کوشش آنان ادای احترام کرد. هر که در وادی رسد داشت فرهنگ ایرانی و زبان و ادبیات فارسی دل‌نگران است و دیده و دست رنجور می‌کند شایسته قدرشناسی و تکریم بی‌حد است.

منابع احوال و آثار و افکار ...، متن و تعلیقات نیایش پند پیر هرات

- مجموعه رسائل فارسی خواجه عبدالله انصاری (جلد)، تصحیح و مقابله سه نسخه، مقدمه و فهرس، دکتر محمد علی میرمولایی، تهران انتشارات توس، زمستان ۱۳۷۲.
- سیدعلی میرافضلی، «خواجه عبدالله انصاری»، دانشنامه زبان و ادب فارسی به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی (با همکاری انتشارات سخن)، تهران، ۱۳۹۸، جلد چهارم.
- محمدجواد شمس، «الهی‌نامه»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، همان، جلد دوم.

- دائرة المعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب (جلد اول، جلد دوم، بخش دوم)، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
- فرهنگ بزرگ سخن (به سرپرستی دکتر حسن انوری)، تهران، انتشارات سخن، زمستان ۱۳۸۱.
- فرهنگ فارسی، تألیف دکتر محمد معین، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- لغت نامه دهخدا، تألیف علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، (چاپ دوم از دوره جدید)، ۱۳۷۷.
- قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش (انتشارات صدا و سیما)، به ری اسلامی ایران، ۱۳۷۴.